بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[نهی در عبادات 2](#_Toc428205712)

[مرور گذشته 2](#_Toc428205713)

[نظر آخوند (ره) 2](#_Toc428205714)

[نهی بر مجموعه اعمال با قصد قربت 2](#_Toc428205715)

[اشکال به نظر آیت‌الله آخوند (ره) 2](#_Toc428205716)

[نکته اول 2](#_Toc428205717)

[نکته دوم 2](#_Toc428205718)

[نکته دوم به زبان ساده 3](#_Toc428205719)

[نکته سوم 3](#_Toc428205720)

[نکته چهارم 3](#_Toc428205721)

[نتیجه‌گیری 4](#_Toc428205722)

[نکته ششم:قصد رجاء تشریع نیست 4](#_Toc428205723)

[اشکال نکته ششم: 4](#_Toc428205724)

# نهی در عبادات

# مرور گذشته

بحث ما در مورد نهی در عبادات بود. در این مقام، پنج مبحث بر اساس تقسیم صاحب الکفایة قابل‌بررسی است. مبحث اول را موردبررسی قرار دادیم. مرحوم آخوند مطلبی را به‌صورت لایقال فرمودند که به شکلی اصل کلی نهی در عبادت زیر سؤال رفت. ایشان فرمودند، نهی بر مجموعه اعمال، بدون قصد قربت یا با قصد قربت آمده است.

اگر نهی بر مجموع اعمال بدون قصد قربت آمده باشد، این خلاف ظاهر است و به‌هیچ‌عنوان افعال معنای عبادت را نمی‌دهد. اگر نیز بگوییم که فقط بر روی اعمال آمده است، تمام اعمالی که عبادت نیستند را نیز شامل می‌شود. مثلاً اگر در روز عید کسی رژیم داشته باشد و غذا نخورد، ایراد دارد.

## نظر آخوند (ره)

## نهی بر مجموعه اعمال با قصد قربت

اگر نهی بر مجموعه اعمال با قصد قربت آمده باشد، درواقع از باب تشریع است. تشریع به معنای این است که کسی عملی را مستنداً الی الله انجام بدهد. درصورتی‌که دلیل استناد نیست. یعنی عملی را برای خدا انجام بدهد، درحالی‌که خدا به آن فرمان نداده است. اگر نهی بر همین عمل با قصد قربت آمده باشد، چون امری وجود ندارد، حرام تشریعی است. اگر چیزی حرام تشریعی بشود، حرمت دیگری بر روی آن نمی‌آید. یا ذات این حرمت تشریعی است و معنایی ندارد و اگر هم معنایی داشته باشد، اجتماع دو حرمت می‌شود، یکی از باب تشریع و دیگری از باب نهی که این نیز معقول نیست.

### اشکال به نظر آیت‌الله آخوند (ره)

در این قسمت چند نکته را عرض می‌کنیم:

#### نکته اول

اظهر این است که نهی بر روی اعمال با قصد قربت آمده است. ظاهر ادله نهی از ذات اعمال بدون قصد قربت نیست.

#### نکته دوم

حرمت تشریع، مترتب بر نهی است. نمی‌توانیم بگوییم مقصود از نهی تشریع است. زمانی که می‌گوییم لا تصوم یوم العید، اگر بر روی صوم عبادی و قربی، نهی آمده باشد، همان تشریع است و این حرف، محال است. اول ما باید بدانیم که اینجا امر نیست و بعد باید بدانیم که با این قصد می‌آوریم تشریع است. اصلاً ما نمی‌توانیم بگوییم که لاتصوم تشریع است. این امر محال است. لا تصوم مقدمه‌ای است که تشریع اینجا پیدا بشود.

#### نکته دوم به زبان ساده

زمانی که می‌گوییم لا تصوم، یعنی روزه نگیر، روزه گرفتن امری از طرف خداوند بوده است، و نمی‌توانیم بگوییم که لاتصوم تشریع است. چون خداوند به این فعل، امر کرده است. اما وقتی لا تصوم در روز عید می‌آید، اگر کسی روز عید را روزه بگیرد برای رضای خداوند، تشریع کرده است.

#### نکته سوم

نکته سوم این است که در اینجا دو حرمت وجود دارد. یک حرمت قبل از تشریع است و پایه است. این حرمت فراتر از تشریع است.

تفاوت این حرمت با تشریع این است که تشریع یعنی عملی را استناد به مولا بکنیم بدون اینکه مولا بیان کرده باشد. همین عدم الامر تشریع است. اما در اینجا عمل اضافه به‌قصد قربی دارای مبغوضیت است. فقط امر ندارد بلکه مبغوضیت دارد.

درنتیجه یک حرمت مبغوضیت ذاتیه با قصد قربت است. حرمت دیگری نیز وجود دارد که حرمت تشریع است. این مبغوضیت امر را از بین برده است. درنتیجه نسبت دادن عمل به مولا درصورتی‌که امر ندارد، یک تشریع است. در اینجا دو حیث وجود دارد. این دو حرمت موجب تأکد می‌شود. یعنی عمل دو جهت تحریمی دارد.

#### نکته چهارم

اجتماع دو حکم قابل‌قبول است و نتیجه‌ی آن نیز تأکد است.

نکته پنجم: متعلق حرمت در تشریع

یک موضوع مهمی در اینجا وجود دارد. این‌که متعلق حرمت در تشریع چیست؟

در جواب این سؤال دو نظریه وجود دارد:

1. حرمت تشریع به فعل جوانحی و قلبی تعلق می‌گیرد. یعنی اینکه من در دل این امر را به خدا نسبت می‌دهم. یا اینکه قصد خدایی می‌کنم. این قصد قلبی متعلق تشریع است.

2. این نظر دوم متعلق به آقای تبریزی است. ایشان نظر دارند که حرمت تشریع به فعل سرایت می‌کند. افترای علی الله گاهی در دل است، زبان است، گاهی نیز عمل افترایی است. عبادت عملی است که با قصد قربت است. قصد قربت رنگ به عمل می‌دهد و عمل تکلیف می‌شود. در تشریع نیز خود عمل، عمل افترایی می‌شود. این کار حرام است.

شبیه این بحث در تجری است. که آیا تجری به فعل سرایت می‌کند یا خیر؟

### نتیجه‌گیری

در اینجا ما اظهر، نظر دوم می‌دانیم. یعنی عمل لم یأذن به الله، حرام است.

اگر نظر اول را بپذیریم، دو حرمت وجود دارد، یک حرمت افعال غیر قربت است. حرمت افعال روی فعل جوانحی است. متعلق‌ها جدا است.

اگر نظر دوم را بپذیریم و بگوییم فعل نیز موجب حرمت تشریع است، باز هم مشکلی وجود ندارد. این فعل از دو حیث حرمت دارد. از یک حیث دارای حرمت خاص است و از یک حیث دارای حرمت تشریعی است. این دو حرمت موجب تأکد حرمت می‌شود.

## نکته ششم: قصد رجاء تشریع نیست

همیشه نهی با تشریع ملازم نیست. این به بحث ما کمک می‌کند. تشریع یعنی عمل مستند. اما حالتی داریم که عمل را رجاعاً انجام می‌دهد. این تشریع نیست. مثلاً اگر کسی صوم یوم العید را به شکل رجاعاً انجام می‌دهد، (رجاعاً نیز می‌تواند عبادت باشد) در اینجا دیگر تشریعی وجود ندارد، ولی لا تصوم یوم العید در اینجا وجود دارد. بنابراین همیشه این‌چنین نیست که بگوییم وقتی نهی آمد، امری وجود ندارد و تشریع می‌شود.

### اشکال نکته ششم:

گاهی امر نرسیده است و فعل عبادی انجام می‌دهیم.

1. اگر مستند بکنیم تشریع می‌شود.

2. اگر رجاعاً بخوانیم، تشریع نیست.

در جایی که امر وجود ندارد همیشه تشریع نیست. اما در بحث ما که نهی وجود دارد، حالت میانه‌ای وجود ندارد و قصد رجاء قابل‌قبول نیست. این دو احتمال در زمانی است که امر نباشد.